



اصول فقه ۴ (حلقه ثالثه)

درس ۷

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: یاسر سعادت‌ی

در درس های گذشته در ادامه بیان فقه الحدیث روایت رعاف، به موضع دوم استدلال بر حجیت استصحاب ؛ یعنی فقره ششم روایت (سؤال ششم زراره) رسیدیم.

همان طور که گذشت، امام(ع) در پاسخ به این سؤال، بین دو حالت، تفصیل داده و حکم هر یک را مجزا بیان فرمودند. از تعلیلی که برای حکم شق دوم بیان نمودند، می توان برای استدلال بر حجیت استصحاب بهره جست. در این درس، برای هر کدام از دو شق فقره ششم، دو احتمال بیان می شود که این دو احتمال، تأثیری در نتیجه نخواهند گذاشت.

در ادامه، شهید صدر اشکالی را از شیخ انصاری (ره) در مورد وجود تعارض بین شق اول از فقره ششم و فقره سوم بنا بر حمل آن بر فرضیه سوم، بیان فرموده و به آن پاسخ می دهند.

[و فی السؤال السادس يقع الموضع الثاني من الاستدلال بالرواية...]

و يحتمل أن يراد بالشق الأول صورة العلم الإجمالي، و بالشق الثاني المبدوء بقوله (و إن لم تشك) صورة الشك البدوي. و يحتمل أن يراد بالشق الأول صورة الشك البدوي السابق ثم وجدان نفس ما كان يشك فيه، و بالشق الثاني صورة عدم وجود شك سابق و مفاجأة النجاسة للمصلي في الأثناء. و لكل من الاحتمالين معززات، و النتيجة المفهومة واحدة على التقديرين، و هي: أن النجاسة المرئية في أثناء الصلاة إذا علم بسبقها بطلت الصلاة و لا جرى استصحاب الطهارة و كفى غسلها و إكمال الصلاة.

و قد ادعى في كلمات الشيخ الأنصاري وقوع التعارض بين هذه الفتوى في الرواية و الفتوى الواقعة في جواب السؤال الثالث إذا حملت على الفرضية الثالثة، إذ في كلتا الحالتين وقعت الصلاة في النجاسة جهلاً أما بتمامها كما في مورد السؤال الثالث أو بجزء منها كما في مورد السؤال السادس، فكيف حكم بصحة الصلاة في الأول و بطلانها في الثاني؟ و الجواب: أن كون النجاسة قد انكشفت و علمت في أثناء الصلاة، قد يكون له دخل في عدم العفو عنها، فلا يلزم من العفو عن نجاسة لم تعلم أثناء الصلاة العفو عن نجاسة علمت كذلك. هذا حاصل الكلام في فقه الرواية.

دومین موضع استدلال بوجبت استصحاب، در صحیحہ رعا ف (یاد آوری)

پرسش ششم زرارہ در صحیحہ رعا ف، دومین موضع استدلال بوجبت استصحاب بودہ و از موضع اول (سؤال سوم زرارہ) مهم تر است.

زارارہ در این سؤال، فرض را بر این قرار دادہ کہ نماز را شروع کردہ است و ناگهان در اثناء نماز، نجاستی را در لباس خود دیدہ است. امام (ع) در بیان حکم این فرض بین دو حالت تفصیل دادہ اند:

الف) حالتی کہ مکلف، پیش از نماز در نجاست لباس خود شک کند، سپس در اثناء نماز، همان نجاست را در لباس خود ببیند.

حکم امام: نماز در این صورت، محکوم بہ بطلان است؛ بنابراین باید نماز را شکستہ و بعد از تطہیر لباس، نماز را اعادہ کند.

ب) حالتی کہ مکلف، پیش از نماز، شکی در نجاست لباس نداشتہ اما در اثناء نماز، ناگهان نجاست تازہ ای را در لباس خود می بیند؛ بہ طوری کہ احتمال می دہد این نجاست الآن بہ لباس او برخورد کردہ است.

حکم امام: «باید مدت کوتاہی از ادامہ نماز دست کشیدہ و لباس خود را تطہیر کند و بعد نماز خود را ادامہ دادہ و کامل کند».

بیان علت حکم از زبان امام (ع): «چون مکلف احتمال می دہد این نجاست تازہ ای کہ دیدہ است، از قبل نماز وجود نداشتہ و در ہمین اثناء نماز عارض شدہ است، باید بناء را بر یقین بہ طہارتی کہ قبل از نماز مورد قطع بود بگذارد و نباید آن یقین بہ طہارتی را کہ قبل از نماز داشتہ است با شک نقض کند».

احتمالات در سؤال ششم از صحیحہ رعا ف

امام (ع) در پاسخ بہ سؤال ششم زرارہ، بین دو حالت تفصیل دادہ اند؛ در شق اول، وجود شک را موضوع حکم و در شق دوم، عدم همان شک را موضوع حکمی دیگر قرار دادہ اند. در این کہ مقصود امام (ع) در ہر یک از این دو شق چیست دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول

الف) شق اول: مکلف، شک مقرون بہ علم اجمالی دارد؛ بہ این شکل کہ بہ اصل نجاست علم داشتہ و در موضع نجاست شک دارد و با این علم اجمالی وارد نماز شدہ است.

ب) شق دوم: مکلف، بدون علم اجمالی وارد نماز شدہ است؛ اعم از آن کہ شک بدوی در نجاست داشتہ یا علم بہ عدم نجاست داشتہ است.

احتمال دوم

الف) شق اول: مکلف شک بدوی بہ نجاست داشتہ است؛ البتہ بہ این شرط کہ بداند این نجاستی کہ در اثناء نماز دیدہ است، همان نجاست مشکوک در قبل از نماز است؛ زیرا در این احتمال، تنها در صورت وجود این شرط حکم بہ بطلان نماز محقق خواہد بود کہ در این صورت او علم پیدا می کند کہ تا لحظہ رؤیت نجاست، نمازش را در لباس نجس، اتیان کردہ است.

(ب) شق دوم: عدم شک بدوی؛ اعم از این که به عدم نجاست یقین داشته یا شک فعلی نداشته است. در نتیجه احتمال اول، دائر مدار علم اجمالی است؛ در شق اول، وجود علم اجمالی، و در شق دوم، عدم علم اجمالی، موضوع می‌باشد. اما احتمال دوم، دائر مدار شک بدوی است.

متن عربی و نکات تطبیقی

و یحتمل أن یراد بالشق الأول (۱) صورة العلم الإجمالی، و بالشق الثانی (۲) المبدوء (۳) بقوله (۴) (و إن لم تشک) صورة (۵) الشک البدوی.

۱. متعلق جار و مجرور: «یراد». یعنی: آن حالتی که مکلف، پیش از نماز، در نجاست لباس خود شک کند، سپس در اثناء نماز، همان نجاست را در لباس خود ببیند.
۲. یعنی: آن حالتی که مکلف، بدون علم اجمالی وارد نماز شده باشد.
۳. صفت «الشق الثانی». یعنی: شروع شده.
۴. مرجع ضمیر: امام (ع).
۵. نائب فاعل «یراد».

و یحتمل أن یراد بالشق الأول صورة الشک البدوی السابق (۱) ثم وجدان نفس ما کان یشک فیہ (۲)، و بالشق الثانی (۳) صورة عدم وجود شک سابق و مفاجأة (۴) النجاسة للمصلی فی الأثناء.

۱. یعنی: شک بدوی سابق بر نماز.
۲. یعنی: سپس همان نجاستی را که قبل از نماز در آن شک کرده بود، در اثناء نماز بیابد.
۳. معطوف علیه: بالشق الأول.
۴. یعنی: بدون این که قبل از نماز، شکی داشته باشد، در اثناء نماز، ناگهان به نجاستی برخورد کند.

نتیجه احتمالات مطرح شده در فقره ششم صحیحہ رعا ف

برای هر یک از دو احتمالی که ذکر شد، قرائن و مؤیداتی وجود دارد. برای مثال، عبارت «فی موضع منه» مؤید احتمال اول است؛ زیرا ظاهرش این است که در اصل اصابت، شکی نداشته و یقینی بوده؛ لکن موضع اصابت مشکوک بوده است. عبارت «و إن لم تشک» مؤید احتمال دوم است؛ زیرا طبق احتمال دوم، مورد شق دوم، عدم شک بدوی است. اما طبق احتمال اول، مورد شق دوم، با شک بدوی نیز سازگار است و این خلاف عبارت «و إن لم تشک» می‌باشد. اما نتیجه‌ای که به دست می‌آید طبق هر دو احتمال یکی خواهد بود؛ یعنی تفاوتی میان این دو احتمال، چه در شق اول و چه در شق دوم، از حیث نتیجه وجود ندارد؛ زیرا شق اول، طبق هر دو احتمال، بیانگر موردی است که مکلف می‌داند نجاستی که در اثناء نماز دیده، قبل از نماز حادث شده است و در نتیجه نمازش باطل است و باید اعاده کند. تنها فرقی که بین دو احتمال در شق اول وجود دارد این است که طبق احتمال اول، مکلف، در ابتدا به نجاست علم اجمالی داشت و در اثناء نماز، به آن علم تفصیلی پیدا کرده است و طبق احتمال دوم، در ابتدا شک بدوی به نجاست داشت و در اثناء نماز، شک بدوی او تبدیل به علم تفصیلی به نجاست می‌شود. پس در هر دو احتمال، خواهد دانست که از لحظه ورود در نماز تا لحظه رؤیت نجاست، نمازش را در لباس نجس اتیان کرده است؛ بنابراین محکوم به بطلان است.

و شق دوم، طبق هر دو احتمال، بیانگر موردی است که مکلف شک دارد نجاستی که در اثناء نماز دیده است آیا قبل از نماز حادث شده یا این که جدید پدید آمده است و تنها فرق میان دو احتمال این است که احتمال اول، با این که مکلف قبل از نماز شک بدوی به نجاست داشته سازگار است، اما احتمال دوم، نافی این احتمال است.

اما در هر دو احتمال، مکلف به وقوع نماز در لباس نجس از ابتدای نماز علم پیدا نمی کند و احتمال می دهد این نجاست در لحظه رؤیت یا اندکی پیش واقع شده و از ابتدای نماز نبوده است. از این رو می تواند نسبت به این لباس تا لحظه رؤیت نجاست، استصحاب طهارت جاری کند. به همین دلیل امام (ع) حکم می نمایند که مکلف در حال نماز، با اندکی توقف، لباسش را تطهیر کرده و نماز را تکمیل کند.

خلاصه مطلب آن است که اگر مکلف بداند نمازی را که تا اینجا اتیان کرده، در لباس نجس بوده، نمازش باطل است و گرنه اگر صرفاً شک داشته باشد، با استصحاب طهارت لباس، نمازش محکوم به صحت است و برای ادامه نماز، تطهیر لباس کافی است.

متن عربی و نکات تطبیقی

و لكل من الاحتمالين (۱) معززات (۲)، و النتيجة المفهومة واحدة على التقديرين (۳)، و هي (۴): أن النجاسة المرئية في أثناء الصلاة إذا علم بسبقها (۵) بطلت الصلاة و الا (۶) جرى استصحاب الطهارة و كفى غسلها (۷) و إكمال الصلاة.

۱. یعنی: دو احتمال موجود در فقره ششم صحیحه رعا ف.

۲. یعنی: قرائن و مؤیدات. مبتدای مؤخر برای «لکل من الاحتمالین».

۳. یعنی: بنا بر دو احتمال.

۴. مرجع ضمیر: «النتیجه».

۵. مرجع ضمیر: النجاسة.

۶. یعنی: اذا لا یعلم بسبقها.

۷. غسل به فتح غین به معنای شستن می باشد. مرجع ضمیر: النجاسة.

Sco^۱: ۱۴:۱۶

اشکال وجود تعارض در صحیحه رعا ف از سوی شیخ انصاری

شیخ انصاری (ره) در کتاب رسائل، اشکالی مطرح فرموده اند و آن، تعارض بین حکم امام (ع) در پاسخ به سؤال ششم و حکم دیگر حضرت در پاسخ به سؤال سوم است.

توضیح اشکال: امام (ع) در بیان حکم شق اول از فقره ششم فرمودند: «نماز باطل است» اما در جواب از سؤال سوم، حکم به صحت نماز نمودند. حال بنا بر فرضیه سوم از میان فرضیه های چهارگانه، بین حکم امام (ع) در فقره سوم و حکم آن حضرت (بطلان نماز) در شق اول از فقره ششم تعارض پدید می آید. برای روشن شدن مطلب، در ابتدا توضیح این دو فقره را تکرار کرده سپس وجه تعارض بین آن دو را بیان می کنیم:

توضیح فرضیه سوم در فقره سوم: طبق این فرضیه در سؤال سوم زرار، مکلف قبل از نماز، از نجاستی که احتمال اصابتش را به لباسش می داده فحص و جستجو کرده و بعد از فحص، به اصابت و یا عدم اصابت یقین پیدا نمی کند؛ بلکه

در حال شک باقی می ماند. اما بعد از فراغ از نماز، نجاستی را در لباس خود می بیند و یقین می کند که این همان نجاست مشکوکه قبل از نماز است.

حکم امام: «اعاده لازم نیست و نماز خوانده شده صحیح می باشد».

توضیح شق اول از فقره ششم: مکلف قبل از نماز در نجس بودن لباسش شک دارد و در اثناء نماز نجاستی را در لباس خود می بیند و یقین می کند این نجاست همان نجاست مشکوکه در قبل از نماز است.

حکم امام: «نماز باطل است».

وجه تعارض حکم فقره سوم بنابر فرضیه سوم و شق اول فقره ششم: این دو مورد، در دو جهت، شبیه هم هستند؛ زیرا اولاً در هر دو مورد، نماز در لباس نجس واقع شده و ثانیاً مکلف، به وقوع نماز در لباس نجس علم پیدا کرده است. فقط در فقره سوم، کل نماز، و در فقره ششم، بخشی از نماز، در لباس نجس واقع شده بود؛ بنابراین نباید حکم امام(ع) نسبت به آن دو تفاوتی داشته باشد؛ در حالی که حکم امام(ع) متفاوت است و در فقره سوم، حکم به صحت نماز و در شق اول از فقره ششم، حکم به بطلان نماز فرموده اند.

ملخص اشکال شیخ انصاری: خلاصه اشکال شیخ انصاری این است که چگونه می شود در مورد نمازی که تمامش در نجاست مجهوله واقع شده و بعداً علم به این نجاست پیدا شده است، حکم به صحت کرد، اما نسبت به نمازی که بخشی از آن در نجاست مجهوله به جا آورده شده و در اثناء نماز، علم به نجس بودن لباس حاصل شده است، حکم به بطلان نماز نمود؟

اشکال: شما اشکال و تعارض را می ان فقره سوم - بنا بر فرضیه سوم - و شق اول از فقره ششم مطرح کردید اما هنگام توضیح و تبیین مطلب، شق اول از فقره ششم را تنها طبق احتمال دوم آن مطرح کردید؛ در حالی که در آن، دو احتمال وجود داشت. طبق احتمال اول، تعارضی میان این شق با فقره سوم - بنابر فرضیه سوم - وجود نخواهد داشت؛ زیرا طبق این احتمال، مکلف، با علم به اصل نجاست وارد نماز شده و فقط در موضع نجاست، شک داشته است. پس به خاطر علم مکلف به اصل نجاست در هنگام ورود به نماز، حکم به بطلان نماز مورد مناقشه نخواهد بود؛ بنابراین در این صورت، بین این دو موضع روایت، تفاوت در حکم، ناشی از تفاوت در موضوع است و تعارضی نخواهد بود. البته شهید صدر این مطلب را نیاورده است، اما کلمه «جهلاً» در عبارت ایشان هنگام طرح اشکال، بر همین مطلب دلالت می کند.

جواب: جناب شیخ انصاری در کتاب رسائل، ج ۳، ص ۶۱، بعد از بیان تعارض فرموده است: «إلا أن يحمل هذه الفقرة على ما لو علم الاصابة و شك في موضعها و لم يغسلها نسياناً»؛ یعنی مگر این که شق اول از فقره ششم بر احتمال اول حمل شود که در آن صورت، تعارضی نخواهد بود. البته جناب شیخ، احتمال اول را خلاف ظاهر کلام امام(ع) می داند. به همین خاطر ما در بیان تعارض، شق اول از فقره ششم را طبق احتمال دوم بیان کردیم.

متن عربی و نکات تطبیقی

و قد ادعی فی کلمات الشیخ الأنصاری وقوع (۱) التعارض بین هذه الفتوى (۲) فی الروایة و الفتوى الواقعة فی جواب السؤال الثالث إذا حملت (۳) على الفرضية الثالثة، إذ (۴) فی کلتا الحالتین وقعت الصلاة فی النجاسة جهلاً اما بتمامها (۵) كما فی مورد

السؤال الثالث أو بجزء منها (٦) كما في مورد السؤال السادس، فكيف حكم بصحة الصلاة (٧) في الأول (٨) و بطلانها (٩) في الثاني (١٠)؟

١. نائب فاعل «أُدْعَى».
٢. يعنى: حكم فقرة ششم.
٣. نائب فاعل: ضمير مستتر «هى». مرجع ضمير: «الفتوى الواقعه».
٤. تعليل «أُدْعَى».
- ٥ و ٦. مرجع ضمير: «الصلاة».
٧. جار و مجرور. نائب فاعل «حكم» و متعلق به آن مى باشد.
٨. يعنى: فقرة سوم.
٩. مرجع ضمير: «الصلاة».
١٠. يعنى: شق اول از فقرة ششم.

جواب شهيد صدر به اشكال شيخ انصارى

بين مورد سؤال سوم و مورد سؤال ششم تفاوتى وجود دارد و آن اين است كه در فقرة سوم، مكلف، بعد از نماز، به وقوع نماز در لباس نجس علم پيدا کرده اما طبق فقرة ششم، اين علم در اثناء نماز حاصل شده است. ممكن است همين كه مكلف در اثناء نماز، به وقوع نماز در لباس نجس علم پيدا کرده است، موجب حكم به بطلان نماز باشد و اين نجاست، در بطلان نماز او اثر گذاشته و مورد عفو شارع واقع نشود اما در فرضى كه بعد از نماز علم پيدا کرده است، نجاست لباس او معفو باشد و حكم به صحت نماز او شود؛ به خاطر همين فرق، نمى توان گفت بين حكم اين دو مورد ملازمه است.

متن عربى و نكات تطبيقى

و الجواب (١): أن كون النجاسة قد انكشفت (٢) و علمت (٣) فى أثناء الصلاة (٤)، قد يكون له (٥) دخل (٦) فى عدم (٧) العفو عنها (٨)، فلا يلزم من العفو عن نجاسة لم تعلم أثناء الصلاة العفو (٩) عن نجاسة علمت كذلك (١٠).

هذا حاصل الكلام فى فقه الرواية.

١. يعنى: جواب از اشكال شيخ انصارى.
- ٢ و ٣. مرجع ضمير: «النجاسة». تذكر: فعل اول، معلوم است؛ زیرا لازم است و فعل دوم، مجهول است؛ چون متعدى است.
٤. متعلق جار و مجرور: دو فعل «انكشفت» و «علمت».
٥. مرجع ضمير: «كون». خبر «يكون».
٦. اسم «يكون».
٧. متعلق جار و مجرور: «دخل».
٨. مرجع ضمير: «النجاسة».

Sco^۲: ۲۴:۳۶

۱. در اینکه مراد امام(ع) از «شک» در فقره ششم روایت چیست، دو احتمال وجود دارد:
الف) احتمال اول، دائر مدار علم اجمالی است؛ در شق اول، وجود آن، موضوع است و در شق دوم، عدم آن.
ب) احتمال دوم، دائر مدار شک بدوی است؛ در شق اول، وجود آن، موضوع است؛ مشروط به این که بداند نجاست رؤیت شده در اثناء نماز، همان نجاست مشکوکه است. در شق دوم، عدم این حالت، موضوع حکم است.
۲. نتیجه این دو احتمال یکسان است؛ یعنی حکم در شق اول، طبق هر دو احتمال، بطلان نماز خواهد بود. و در شق دوم، طبق هر دو احتمال، به صحت نماز - به دلیل استصحاب طهارت لباس - و لزوم تطهیر لباس و سپس ادامه نماز، حکم می شود.
۳. نتیجه فقره ششم این است که اگر مکلف، در اثناء نماز، می داند نمازی را که تا به اینجا اتیان کرده در لباس نجس بوده، نمازش باطل است و اگر به این مطلب علم ندارد، نمازش صحیح خواهد بود؛ زیرا برای طهارت لباس خود تا لحظه رؤیت نجاست، استصحاب جاری می کند و برای ادامه نماز، تطهیر لباس کافی است.
۴. شیخ انصاری اشکال کرده است که حکم امام(ع) در فقره سوم، بنا بر فرضیه سوم، با حکم آن حضرت در شق اول از فقره ششم، بنا بر احتمال دوم، متعارض است.
۵. پاسخ شهید صدر به شیخ این است که بین این دو مورد تفاوتی وجود دارد به این شکل که در فقره سوم بعد از نماز به وقوع نماز در لباس نجس علم پیدا کرده اما طبق فقره ششم این علم در اثناء نماز حاصل شده است. و همین تفاوت در فرض و موضوع می تواند منشأ تفاوت در حکم باشد.